

رسانه و جرم:
تحلیلی برجبه‌های آسیب‌شناختی و جرم‌شناختی تلویزیون و اینترنت
رضا علی محسنی^۱
مهران حاتمی^۲

چکیده:

وسائل ارتباط جمعی، یک بخش اساسی و فراگیر از نظام اجتماعی به شمار می‌آیند. امروزه حضور گسترده رسانه‌های جمعی در جهت دهی به افکار عمومی جهان از واقعیات انکارناپذیر می‌باشد که دنیای معاصر را از جهات متعدد تحت تأثیر قرار داده است. این معنا تا بدانجا پیش رفته که عصر حاضر را "عصر رسانه‌ها" نام نهادند. جامعه نوین بدون وسائل ارتباط جمعی تقریباً غیر قابل تصور است و زندگی در هزاره سوم بدون رسانه غیر ممکن به نظر می‌رسد. همواره از رسانه به عنوان عامل تأثیر گذار در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یاد می‌شود. از آنجایی که تغذیه فکری اغلب مردم جامعه از طریق رسانه‌ها انجام می‌شود، رسانه‌ها می‌توانند در نگرش افراد به محیط تأثیر گذار باشند. رسانه‌ها دارای کارکردهای مثبت و منفی برای اعضای جامعه و خانواده، به ویژه کودکان هستند. کودک و رسانه، ارتباط دو سویه، مستمر و موثر دارند. هم کودکان از جدی‌ترین علاقه‌مندان و متقاضیان رسانه‌های نوین، به ویژه بازی‌های رایانه‌ای و اینترنت هستند و هم رسانه‌ها تمایل شدیدی به سرمایه‌گذاری برای تولید برنامه‌های کودک و نوجوانان، جهت جذب نسل‌های جدید و تحمیل القای پیام‌های منفی رسانه‌ها دارند. از پیامدهای رسانه‌های نسل جدید، می‌توان به پورنوگرافی، خشونت و جرائم رسانه‌ها اشاره کرد. این مقاله به بررسی آسیب‌شناختی اجتماعی رسانه می‌پردازد. تأکید اصلی نوشتار بر تحلیل مخاطرات اجتماعی و روانی تلویزیون و اینترنت و آثار آن بر کودکان و زنان از دیدگاه پاتولوژیک است.

واژگان کلیدی:

رسانه، آسیب‌شناسی، تلویزیون، اینترنت، جرائم رسانه‌ای

۱-دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی mohseninet@yahoo.com

۲-کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی

Twitter & Facebook News.

مقدمه

امروزه حضور گسترده رسانه‌های جمعی در جهت دهی به افکار عمومی جهان از واقعیات انکارناپذیر است که دنیای معاصر را از جهات متعدد تحت تأثیر قرار داده است. این معنا تا بدانجا پیش رفته که عصر حاضر را "عصر ارتباطات" نام نهادند. رسانه‌ها در سال‌های اخیر در کنار نقش اطلاع رسانی و آموزشی رسالت دیگری را برعهده گرفته‌اند و آن نقش جستجوگری و تفتیشی است. بر این اساس رسانه‌ها با افشارگری‌های خود، سکوت مراجع دولتی و رسمی را می‌شکنند و آن را جبران می‌کنند و از طریق مطلع ساختن افکار عمومی، به دولت‌ها فشار می‌آورند تا در موارد نقض شدید هنجارها و ارتکاب جرم‌های شدید، واکنش‌های متناسب از خود نشان دهند و از روش‌های «ملاطفت آمیز» و چشم پوشانه خودداری کنند (دلماس مارتی، ۱۳۸۱: ۳۰۴-۵)

وسایل ارتباط جمعی با اهمیت‌ترین، جذاب‌ترین و در عین حال انتقادآمیزترین جنبه جامعه مدرن به شمار می‌رود. در این میان نقش رسانه‌های تصویری به ویژه تلویزیون، شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و اینترنت نسبت به سایر رسانه‌ها برجسته‌تر است.

جامعه‌شناسان بر این عقیده‌اند که تکنولوژی عاملی مهم در تغییرات اجتماعی است. تکنولوژی به خودی خود کاری انجام نمی‌دهد، اما بدون دسترسی به رسانه‌های جمعی، تغییر اجتماعی غیر ممکن است. ارتباط افراد، به صورت رو در رو، به تدریج رشد کرده، از طریق تکنولوژی رسانه‌های جمعی، به ارتباطی همگانی تبدیل شده است.

ظهور و رشد رسانه‌های جمعی به صورت ژرف، باعث تغییر شیوه انتقال فرهنگ از یک نسل به نسل دیگر شده است. علاوه بر این، به این دلیل که امروزه رسانه‌های جمعی می‌توانند، هم زمان، اطلاعات زیادی را در اختیار تعداد زیادی از مخاطبان قرار دهند، نقش آن‌ها برای انتقال سریع فرهنگ از اهمیت به سزایی برخوردار است. هر یک از انواع رسانه‌ها (تلویزیون، رادیو، روزنامه، مجله، کتاب، سینما و ...) پیام‌های فرهنگی را در شکل یا محتوای خبری یا سرگرمی منتقل می‌کند. (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۳۲۵)

این‌که رسانه‌های جمعی در جامعه پذیری اولیه کودکان و جامعه‌پذیری بلند مدت بزرگسالان نقش دارند، موضوعی است غیرقابل انکار. بخشی از جامعه‌پذیری مربوط به رسانه‌هاست که در عمل با سایر تأثیرات اجتماعی و شیوه‌های متفاوت جامعه‌پذیری در درون خانواده تداخل می‌کند. (Hedinson, ۱۹۸۱)

رسانه‌ها تأثیر شگرفی بر افکار و عقاید عمومی دارند. در واقع، رسانه‌ها، شکل دهنده افکار عمومی (Public opinion) و از طرفی، منعکس کننده آن‌ها می‌باشند. رسانه‌ها بر ادراک ما از جهان پیرامون تأثیر می‌گذارند. رنگ دنیا و آنچه در آن است تابعی از ادراک ما از جهان است و رسانه‌ها بر این جهان بینی، تأثیری شگرف می‌نهند. رسانه‌ها در حفظ و تحکیم مشارکت عمومی و به تبع امنیت عمومی، افزایش توان انتخاب جامعه، افزایش رقابت و پویایی مردم، درونی و نهادینه کردن نظام ارزشی و باورهای اعتقادی و معرفی ساز و کارهای حل و فصل تعارض‌ها و چند گونگی‌های فرهنگی و اجتماعی نقش مهمی دارند.

رسانه‌های جمعی، تصویرگر فرهنگ جامعه برای مخاطبینند و از این رو، در فرآیند جامعه‌پذیری نقش

مهمی ایفا می‌کند. در اینجا، توجه بیشتر به شیوه انتقال است تا به محتوای رسانه‌ها؛ مارشال مک‌لوهان (Mcluhan, ۱۹۶۷) معتقد است رسانه پیام است. به نظر مک‌لوهان، نوع رسانه، مستقل از آنچه می‌گوید، شکل دهنده و کنترل‌کننده ارتباط و اعمال آدمی است.

رسانه‌های جمعی (تلویزیون، سینما، مطبوعات و ...) نقش‌های جدید را در ارتباط با پاسخ به نیازهای امروزین ایفا نمی‌کنند. بر طبق «فرضیه کمیایی» رونالد اینگلهارت که معتقد است اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی و اقتصادی وی است، شخص بیشترین اولویت‌ها را برای آن چیزهایی قائل می‌شود که عرضه آن‌ها نسبتاً کم است. (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۵) رسانه‌ها و به ویژه تلویزیون در شکل دادن به عقاید، نگرش‌ها و رفتار تأثیر اساسی دارند.

تحقیقات نشان می‌دهد که بیشتر تماشاگران تلویزیون، کودکان زیر ۱۵ سال و بعد از آن بانوان خانه‌دار و سپس جوانان بیشتر از ۱۵ سال هستند. (نیومن، ۱۳۸۷) جامعه شناسان و روان‌شناسان اجتماعی، هر یک از جنبه‌های مختلف محتوای رسانه‌ها را مورد مطالعه قرار داده‌اند، با توجه به تأثیر شناختی تلویزیون، می‌توان گفت که تلویزیون بر الگوهای رفتاری به شدت تأثیر گذاشته است و در ارتباط سلامت روانی و اخلاقی فرد و سازگاری وی با جامعه، مسائلی همچون پرخاشگری و ناهنجاری‌های عاطفی و احساسی، ابزار و اعمال خشونت و مانند آن را شدت بخشیده است.

در عصر حاضر رسانه‌های جمعی به لحاظ فن‌آوری دستخوش پیشرفت‌های فراوانی شده‌اند. اما محتوای آن‌ها پا به پای توسعه فن‌آوری، از جنبه انسانی تکامل نیافته است. در حقیقت می‌توان گفت که بین پیشرفت تکنولوژیک رسانه و پیشرفت و تکامل معنایی محتوای رسانه شکاف بزرگی وجود دارد. این روند را می‌توان نوعی تأخر فرهنگی^۳ دانست. یعنی جامعه به لحاظ فرهنگی، هنجارها، ارزش‌ها و قوانین لازم برای استفاده از ابزار تکنولوژیک را تولید نکرده و پیشرفت تکنولوژی فرهنگی بر پیشرفت تکنولوژی غلبه دارد.

خشونت و هرزه‌نگاری دو مقوله‌ای است که به شدت تمام بر رسانه‌های امروزی (نظام‌های چند رسانه‌ای) سایه افکنده است. امروزه اکثر کودکان و نوجوانان به طور روزمره صحنه‌های خشونت آمیز و هرزه را از تلویزیون و سایر وسایل ارتباط جمعی مشاهده می‌کنند.

اشاره به بخشی از داده‌های پژوهشی، واقعیت‌ها را بیشتر بیان می‌دارد:

اخبار و رویدادهای جنایی بخش عمده‌ای از محتوای تمامی رسانه‌های گروهی را به خود اختصاص داده است. مطالعات انجام شده حاکی از آن است که اخبار جنایی حداقل ۴ درصد، حداکثر ۲۸ درصد و به طور متوسط ۷ درصد از مطالب روزنامه‌ها را تشکیل می‌دهند.

این نسبت در مورد رسانه های دیداری و شنیداری درصد متفاوتی بین ۱۰ تا ۱۳ را بر اساس دوره های زمانی و محیط های جغرافیایی مختلف به خود اختصاص داده است. (Sherizen, ۲۰۰۸: ۱۹۷۸)

- در آمریکا، دانش‌آموزان قبل از رسیدن به ۱۸ سالگی، ۲۰۰ هزار بار عمل خشونت بار و ۱۴۰ هزار پیام جنسی را دیده و شنیده اند.

- هر کودک آمریکایی که به سن ۱۸ سالگی می‌رسد ۱۸ هزار صحنه شبیه‌سازی قتل را در تلویزیون دیده است. (هاماربرگ، ۱۳۸۰: ۲۷)

- هر ۵ دقیقه یکبار، یک کودک آمریکایی به دلیل ارتکاب به یک جرم خشونت آمیز دستگیر می‌شود و هر سه ساعت یکبار خشونت و البته با سلاح گرم جان یک کودک را می‌گیرد. (وارتلا و همکاران، ۱۳۸۰: ۷۹)

رسانه ها با انعکاس اخبار مربوط به پدیده های جنایی، نگرش خاصی را به مردم تحمیل می‌کنند و چگونگی قضاوت و داوری آنان درباره جرم و عدالت کیفری را سازمان می دهند. این ابزارهای ارتباطی به سادگی می توانند از موضوعی کم اهمیت سوژه ای بسیار مهم بسازند و افکار عمومی را نسبت به پدیده ای خاص حساس کنند و یا برعکس از حادثه ای مهم، خبری خنثی و کم اهمیت بسازند. (فرجیها، ۱۳۸۵)

با این وجود می‌توان اظهار داشت که مطالعه در زمینه کارکردهای رسانه‌های جمعی، پیامدها و دستاوردهای آن و تأثیر آن بر بهداشت روانی و اجتماعی افراد جامعه (به صورت عام) و خانواده (به صورت خاص) حائز اهمیت فراوانی است

۲- تعریف مفاهیم:

۱-۲ رسانه

رسانه عبارت از وسایل ارتباطی است که حامل های زیادی را در بر می گیرد. (کازنو، ۱۳۸۱: ۳) کاتلر رسانه را وسایل ارتباطی غیر شخصی می خواند که پیام ها و اخبار نظرات فرستنده را به گیرنده می رساند و آنها را شامل وسایل چاپی (روزنامه، مجله و پست مستقیم)، رسانه های صوتی و تصویری (رادیو و تلویزیون)، وسایل نمایشی مانند تابلوهای بین راهی، علامات و پوستر می داند. (بلوریان تهرانی، به نقل از کاتلر، ۱۳۸۳: ۹) رسانه های جمعی یا وسایل ارتباط جمعی به مجموعه وسایل غیر شخصی اطلاق می شود که انتقال پیام سمعی، بصری و یا هر دو را به سوی مردمی بسیار و در مناطق دور دست موجب می شوند. شاخص این وسایل، ارتباط آنان با جمع است. بدین سان، رسانه های جمعی، وسایل و ابزاری هستند که بین جمع و جمع با فرد و جمع ایجاد ارتباط می نمایند. (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۴۷۱) به عبارت دیگر، رسانه های جمعی به هر نوع وسیله، ابزار یا صنعتی گفته می شود که برای انتخاب، انتقال و دریافت محتویات یا مضامینی مانند اطلاعات به کار گرفته می شود. رسانه های جمعی آن دسته از وسایلی هستند که در تمدن های جدید

به وجود آمده‌اند و ویژگی‌های اصلی آن‌ها قدرت و شعاع عمل گسترده است. این وسایل جمع را در نظر دارند و می‌توان آنها را همچون نهادهای اجتماعی مورد بررسی قرار داد. ویب^۵ وسایل ارتباط جمعی را با توجه به مشتریان آنان در نظر می‌گیرند. به نظری وی، دو ویژگی اساسی وسایل ارتباط جمعی عبارتند از:

- ۱- محصول آنان به سادگی در دسترس اکثر مردم قرار می‌گیرد.
- ۲- مخارج دسترسی به فرآورده‌های ارتباطی چنان اندک است که به طور کلی از نظر مالی، مردم بسادگی بدان دست می‌یابند.

۲-۲ بهداشت روانی

بهداشت روانی عبارت است از مجموعه عواملی که در پیشگیری از ایجاد و یا پیشرفت روند وخامت اختلالات شناختی، احساسی و رفتاری در انسان نقش مؤثر دارند. (شاملو، ۱۳۸۳: ۱۸) سازمان بهداشت جهانی، بهداشت روانی را این‌گونه تعریف می‌کند: بهداشت روانی در درون مفهوم کلی بهداشت قرار دارد و بهداشت یعنی توانایی کامل برای ایفای نقش‌های روانی و جسمی، بهداشت به معنای نبود بیماری یا عقب ماندگی نیست.

انجمن بهداشت روانی کانادا در یک دید جامع بهداشت روانی را در سه قسمت «نگرش‌های مربوط به خود» «نگرش‌های مربوط به دیگران» و «نگرش‌های مربوط به زندگی» تعریف می‌کند. از نظر این انجمن بهداشت روانی یعنی: توانایی سازگاری با دیدگاه‌های خود، دیگران و رویارویی با مشکلات روزمره زندگی.

جرالد کاپلان^۶ بهداشت روانی را در سه سطح مورد بررسی قرار می‌دهد، که عبارتند از: پیشگیری اولیه، پیشگیری ثانویه و پیشگیری ثالثیه.

۱- پیشگیری اولیه

هدف این نوع از بهداشت روانی، ممانعت از شروع یک بیماری یا اختلال است. به عبارت دیگر، این نوع پیشگیری، اشاره به کاربرد روش‌ها و ابزارهایی که در جلوگیری از ظهور بیماری مؤثر هستند و رفتارهای مثبت را تقویت می‌کنند، دارند. هدف مداخله در مرحله پیشگیری اولیه، جلوگیری از شروع بیماری یا اختلال است، به نحوی که احتمال وقوع آن را در مقطع زمانی خاص کاهش دهد. (شاملو، ۱۳۸۳: ۲۰) افزودنی است که هدف فوق زمانی حاصل می‌شود که عوامل سبب‌زا را از بین ببریم، از انتقال و شیوع بیماری جلوگیری کنیم، عوامل خطرزا را کاهش دهیم، مقاومت را بالا ببریم و سلامتی را از طریق ایجاد شرایط محیطی مناسب افزایش دهیم.

۲- پیشگیری ثانویه

۵- Wiebe

۶- Jerald Kaplan

هدف اقدامات این بعد از برنامه بهداشت روانی، شناخت به موقع و درمان فوری و مناسب اختلال (یا بیماری) است. به عبارت دیگر، هدف پیشگیری نوع دوم عبارت است از مداخله زود هنگام در شناخت و درمان سریع نشانگان یک بیماری یا اختلال، با این هدف که از شیوع و گسترش آن (از نظر تعداد مواد) با کوتاه کردن مدت آن کاسته شود.

۳- پیشگیری ثالثیه

هدف این بعد از بهداشت روانی، شناخت به موقع و درمان فوری و مناسب اختلال (یا بیماری) است. تا فرد بتواند به گونه‌ای مفید و سازنده به زندگی خانوادگی، اجتماعی و شغلی خود باز گردد. در واقع برنامه‌های این بعد با توانبخشی^۷ افراد و جلوگیری از بازگشت مجدد اختلال (یا بیماری) در فرد و حفظ و پیشبرد سلامت ایجاد شده توسط درمان، سرو کار داشته، اقدامات قبلی را تکمیل می‌کند. به عبارت دیگر هدف پیشگیری ثانویه عبارت است از کاستن عوارض جانبی که در حاشیه یک بیماری یا اختلال اصلی وجود دارد که اغلب ماهیت مزمن دارند. (همان منبع، ص ۲۰) پیشگیری ثالثیه اشاره به فعالیت‌های توانبخشی افرادی را که مبتلا به بیماری‌های مزمن روانی طولانی مدت هستند، قادر می‌سازد که با حداکثر توانایی‌های جسمانی و روانی و اجتماعی خود فعالیت کنند. در این زمینه آموزش مهارت‌های شغلی و اجتماعی بسیار مفید واقع می‌شود.

۳- هدف و اصول بهداشت روانی

هدف اصلی بهداشت روانی پیشگیری است و این منظور به وسیله ایجاد محیطی فردی و اجتماعی مناسب حاصل می‌گردد.

اصول اساسی بهداشت روانی عبارت است از:

- ۱- احترام فرد به شخصیت خود و دیگران.
 - ۲- شناختن محدودیت‌ها در خود و افراد دیگر.
 - ۳- داشتن محدودیت‌ها در خود و افراد دیگر.
 - ۴- آشنایی به اینکه رفتار هر فرد تابع تمامیت وجود اوست.
 - ۵- شناسایی نیازها و محرک‌هایی که سبب ایجاد رفتار و اعمال انسان می‌شود. (شاملو، ۱۳۸۳: ۲۲)
- در سال ۱۹۷۵، سازمان بهداشت جهانی^۸ برخی از اولویت‌های بهداشت روان را به شرح زیر اعلام نمود:
- الف) فوریت‌های پزشکی مانند خودکشی با شناسایی و درمان در سطح جامعه.
- ب) اختلالات روان پریشی شدید یا مزمن، عقب ماندگی ذهنی و صرع یا درمان و حمایت در سطح جامعه.
- ج) مشکلات گروه‌های در معرض خطر، مانند آوارگان، سالمندان، دانشجویان، دانش‌آموزان و بیماران جسمی مزمن

۷-Rehabilitation

۸-World Health Organization (WHO)

۴- موضوع و هدف رسانه‌ها

بر مبنای جدیدترین تعاریفی که اندیشمندان و صاحب‌نظران رسانه‌های جمعی به دست داده‌اند، موضوع و هدف رسانه‌ها، عبارت است از:

انتقال اطلاعات، اندیشه‌ها، نگرش‌ها یا عواطف از یک شخص یا گروه به دیگری یا دیگران که عمدتاً از طریق مَادها صورت می‌گیرد. (سروش، ۱۳۸۷: ۴۲) برخی دیگر از نظریه پردازان، رسانه را فراگردی می‌دانند که شرکت کنندگان و مخاطبان در آن، اطلاعات را خلق می‌کنند و در آن سهم می‌شوند تا به درک متقابلی دست یابند.

۵- کارکردهای رسانه

امروزه، رسانه‌ها با کارکردهای مشخص و تعیین کننده خود، جایگاه خاصی یافته‌اند. از اطلاع رسانی گرفته تا ایجاد سرگرمی‌ها، از آموزش و طرح مسائل نظری، عملی و بنیادین گرفته تا گزارش‌های مختلف و اخبار گوشه و کنار جهان. تمامی این موارد موجب شده است تا رسانه‌ها در حال حاضر به عنوان یکی از تأثیر گذارترین عوامل در ایجاد نظم و امنیت عمومی، وفاق، همبستگی، مشارکت مردمی و بهداشت روانی جامعه، به ایفای نقش پردازند.

سورین و تانکارد^۹ در تشریح کارکرد و کژکارکرد رسانه‌ها معتقدند: یک عمل به تنهایی هم می‌تواند کارکرد و هم کژکارکرد داشته باشند. در نخستین کارکرد رسانه‌ها که نظارت و مراقبت و تهیه و رساندن اخبار است، کارکرد نظارت می‌تواند موجب چندین کژکارکرد هم بشود. با توجه به این که رسانه‌ها اغلب خطرات اجتماعی را به ما هشدار می‌دهند، تأکید بیش از حد بر خطرات و تهدیدها، احتمالاً منتج به وحشت در جامعه می‌شود. (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۴۵۱)

رسانه‌های جمعی در فرآیند تداخل ضروریات اجتماعی و فرهنگی که از شتابندگی تاریخ در عصر ما نشأت می‌گیرد، می‌توانند نقش‌هایی سازنده یا ویرانگر داشته باشند. آن‌ها می‌توانند از طریق بخش‌ها، در نهایت به تشدید ناموزونی توسعه پردازند. در یک نظام هماهنگ رسانه‌ای، انسجام و پایداری توسعه و در نتیجه تقویت امنیت ملی مورد توجه است. اما در از هم گسیختگی رسانه‌ها، تهدید امنیت ملی قابل پیش‌بینی است. رسانه‌ها در واقع، به سبب تماس و روابط گشوده و باز با محیط اجتماعی، پیوسته در تلاش ایجاد ساخت‌های نو هستند.

جان تامپسون معتقد است اگر می‌خواهیم تأثیر فرهنگی رسانه‌های ارتباطی در جهان را درک کنیم، باید این دیدگاه را کنار بگذاریم که مواجهه با رسانه‌ها یکسره به ترک شیوه‌های سنتی زندگی و پذیرش اسلوب‌های مدرن زندگی منجر خواهد شد، در خود مواجهه با رسانه‌ها هیچ موضوع رویارویی با سنت نیست، رسانه‌های ارتباطی را می‌توان نه تنها در جهت چالش و تضعیف ارزش‌ها و باورهای سنتی بلکه به منظور گسترش و تحکیم سنت‌ها نیز مورد استفاده قرار دارد.

جرج‌گربنز، مبدع « نظریه پرورش » معتقد است که باید به فهم جنبه‌های متمایز تأثیرات تلویزیون نائل شد. این جنبه‌ها شامل در معرض قرارگرفتن گسترده، طولانی مدت و مشترک عامه‌های وسیع و ناهمگنی است که در معرض تولید و توزیع توده‌ای پیام‌های رسانه دارند. (Gerbner, ۱۹۸۶:۲۱) اعتقاد گربنز بر این است که تلویزیون و سایر رسانه‌ها در چگونگی مشاهده جهان توسط مردم نقش بسیار اساسی دارند. در جهان امروز اغلب مردم اطلاعات خود را بیش تر از منابع واسطه‌ای به دست می‌آورند تا این که حاصل تجربه مستقیم آن‌ها باشد. بنابراین منابع واسطه‌ای قادرند احساس شخص از واقعیت را شکل بدهند. به ویژه در ارتباط با مسأله خشونت این چنین است. مشاهده زیاد تلویزیون، پرورش دهنده این احساس است که جهان مکانی پرخشونت می‌باشد. در این زمینه شرام می‌نویسد: قضاوت، نگرش و افکار تماشاگران پر مصرف تلویزیون با جهت‌گیری‌های نمایش داده شده در تلویزیون سازگار است. (Shrum, ۱۹۹۶:۴۹۰) رابین، پرس و تیلوز^۱ در مطالعات خود دریافتند که تماشاگران نمایش‌های حادثه‌ای و مهیج راجع به امنیت خویش بیش تر احساس نگرانی می‌کنند. (سورین و تانکار، ۱۳۸۱: ۳۹۴)

کارکردهای رسانه را می‌توان در دو دسته جای داد.

الف) کارکرد و آثار مثبت رسانه

ب) کارکرد و آثار منفی رسانه

اهم کارکردهای مثبت و سازنده رسانه عبارت است از:

- ۱- کوچک شدن جهان امروز (دنیای امروز ما، دنیای تعلق جهانی اطلاعات است)
- ۲- توسعه آموزش (رسانه‌ها از یکسو، محتوای آموزشی را به جای‌جای جامعه بردند و از سوی دیگر، از فاصله موجود در میان انسان‌ها کاسته است) (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۵۶)
- ۳- مشارکت مردمی
- ۴- تکوین فرهنگ ملی
- ۵- جهانی شدن فرهنگ
- ۶- ایجاد نظم و امنیت عمومی.

همچنین، مهم‌ترین کارکردهای منفی رسانه‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- بروز و بسط خشونت و ناامنی.
- ۲- سلطه جویی
- ۳- دگرگونی ارزش‌ها

- ۴- انتقال شگردهای جرم و جنایت
 ۵- مقاومت در برابر ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی
 ۶- میل به تنوع طلبی و زیاده خواهی
 ۷- از بین بردن تعادل روانی
 ۸- فرهنگ زدایی
 ۹- تحمیل و تبلیغ اندیشه‌ها و کالاها.

۶- آسیب شناسی تلویزیون

مطالعات مربوط به تأثیر روانی و اجتماعی تماشای تلویزیون عمدتاً بر نقش صحنه‌های خشونت آمیز تلویزیون در باورها و رفتارهای کودکان متمرکز است و این نتیجه بدست آمده که صحنه‌های خشونت آمیز تلویزیون بر رفتار و باورهای کودکان و خردسالان پیامد منفی و قطعی دارد.

پوتنام^۱ ادعا می‌کند تلویزیون تصویر خشن و زشتی از دنیای اطراف ما ارائه می‌دهد؛ در نتیجه موجب وحشت و هراس مخاطبان می‌شود و نوعی احساس ناامنی به وجود می‌آورد. اخبار تلویزیون را جنایت، جنگ، نابودی و مصیبت تشکیل می‌دهد از این رو منطقی خواهد بود که تماشاگران فکر کنند جهان واقعی نیز به همین صورت مشقت بار و رنج‌آور است. (دهروی، ۱۳۸۸، به نقل از (Uslaner, ۱۹۹۸:۴۴۴، رسانه‌های جمعی) از جمله مطبوعات) همه روزه اخبار مربوط به جرم، جنایت، حوادث و جنگ را در مطبوعات اغلب کشورها از جمله ایران منعکس می‌کنند و تنظیم کنندگان صفحات حوادث روزنامه‌ها یا مجلات عامیانه می‌کوشند تا حادثه‌ترین و خشن‌ترین جنایات را با طول و تفصیل منتشر کنند که این موارد در رفتار نابهنجاری افراد جامعه نقش بسزایی دارند.

تنظیم کنندگان صفحات حوادث، روزنامه‌ها یا مجلات عامیانه می‌کوشند حادثه‌ترین و خشن‌ترین جنایات را با طول و تفصیل منتشر سازند. حوادث خارق العاده و بی‌سابقه همیشه دارای ارزش خبری بوده است و به همین مناسبت هم بلافاصله جای خود را در ستون روزنامه‌ها باز می‌کنند. مطبوعات دنیا می‌کوشند در تنظیم اخبار سر ستون‌ها، جنبه‌های هیجان آن را نیز مراعات کنند و در پیرو این شرایط خارق العاده‌ترین حوادث برای مطبوعات، خوانندگان بیشتری را تضمین می‌کند. برای رسیدن به این منظور، نویسندگان حوادث را بزرگ‌نمایی نمی‌کنند.

مؤسسه ملی بهداشت روانی (در آمریکا) با انجام بیش از ۲۵۰۰ پژوهش در مورد رابطه خشونت نمایش داده شده از طریق تلویزیون با رفتار واقعی، به این نتیجه معتبر دست یافت که این گونه تصاویر در حقیقت رفتار پرخاشگری را بین کودکان و نوجوانان تشویق می‌کند. (رابرستون، ۱۳۷۴: ۱۳۲)

۷- تلویزیون و کودکان

کودک و رسانه، به دلایل فراوان، ارتباط دو سویه، مستمر و مؤثر دارند؛ به این معنی که هم کودکان از جدی‌ترین علاقه‌مندان و متقاضیان رسانه‌های نوین، به ویژه تلویزیون هستند و هم رسانه‌ها تمایل شدیدی به سرمایه‌گذاری برای تولید برنامه‌های کودک و نوجوانان جذب نسل‌های جدید دارند. (شرام و دیگران، ۱۳۷۷)

کارتون‌ها و برنامه‌های عروسکی تخیلی، گاهی می‌تواند برای کودک آموزنده باشد و قدرت تخیل و خلاقیت را در او پرورش دهد. اما در بعضی موارد نمایش غول‌ها و حیوانات عظیم الجثه، تیراندازی، زد و خورد و صحنه‌های وحشتناک به کودک آسیب می‌زند و او را دچار خیال و هراس می‌کند. این صحنه‌ها نه تنها بر نحوه نگاه کودک به زندگی اثر می‌گذارد، بلکه سبب خشونت او هم می‌شود.

همچنین مطالعات صورت گرفته در مورد تأثیر تلویزیون بر روی کودکان نشان می‌دهد که آن‌ها چیزهایی را که می‌بینند، تفسیر می‌کنند و متوجه این نکته می‌شوند که بسیاری از آن‌ها «مثلاً خشونت» واقعی نیستند. (Hodge and Tripp, ۱۹۸۶) بیشتر بچه‌ها زمان زیادی را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند. در واقع امروزه کودکان، بیشتر وقت خود را به جای یادگیری در کلاس‌های درس، به دیدن تلویزیون اختصاص می‌دهند. بحثی که مطرح است، فقط در مورد زمان نیست، بلکه محتوای برنامه‌های تلویزیونی است که مهم تلقی می‌شود.

نظریه‌های روان‌شناسانه در مورد ایجاد انگیزه برای ارتکاب جرم نیز اغلب حکایت از تأثیرگذاری رسانه‌ها در این فرآیند دارند. برای نمونه، نظریه‌های بسیاری مدعی شده‌اند تصاویری که از جرم و خشونت در رسانه‌ها رایج می‌شود، یکی از شکل‌های «یادگیری اجتماعی» است و ممکن است افراد از رهگذر آثار تقلیدی یا تحریکی آن، با از میان بردن کنترل‌های درونی ناشی از مهارزدایی و حساسیت زدایی، به دلیل مشاهده مکرر تصاویر جرم و انحراف، به ارتکاب جرم ترغیب شوند. (Warthella, ۱۹۹۵: ۳۰۹-۱۱) تحقیقات نشان می‌دهد که قرار گرفتن دایمی در معرض خشونت رسانه‌ها ممکن است تمایلات تهاجمی را تحریک کند، حساسیت نسبت به اعمال خشونت آمیز را از میان ببرد و موجب اقدام‌های خشونت‌آمیز شود. مطالعات نشان داده که بچه‌ها تا ۱۵ سالگی، ده‌ها هزار صحنه خشونت‌آمیز و هزاران صحنه مرگ و قتل را به صورت کارتون‌ی یا فیلم بر صفحه تلویزیون می‌بینند و ذهن آن‌ها تا ساعت‌ها تحت تأثیر این تصاویر باقی می‌ماند. (بیدالف، ۱۳۸۶: ۱۱۶) صدمات و آسیب‌های بالقوه تلویزیون زمانی ظهور می‌کند که کودکان یا بزرگسالان کم‌تجربه، از شخصیت‌های تلویزیونی الگو برداری می‌کنند و آن‌ها را مدل خود قرار دهند. درچنین صورتی، این امکان وجود دارد که به یکدیگر صدمه بزنند و یا با یکدیگر رفتارهای نامناسبی داشته باشند. از آثار منفی رسانه‌ها و پیامدهای آن بر کودکان عبارتند از: تضعیف ارتباط روحی و عاطفی کودک با والدین و دیگر اعضای خانواده، جذابیت برنامه‌های رسانه‌ها (خصوصاً از نوع دیداری) موجب علاقه شدید کودک به آن‌ها شده و از میزان ارتباط و صمیمت روابط حضوری او با اعضای خانواده می‌کاهد. کودکان به میزانی که برای ارتباط رسانه‌ای وقت و علاقه اختصاص می‌دهند از ارتباطات انسانی

و خانوادگی محروم می‌شوند و در نتیجه مزایای آموزش‌های چهره به چهره و شفاهی را از دست می‌دهند. (اسماعیلی ۱۳۸۹) اما برخی از برنامه‌های تلویزیونی می‌تواند شیوة تحمل کردن دیگران، برقرار کردن ارتباط مناسب با دیگران، تحمل گروه‌های قومی و نژادی و غیره را به کودکان بیاموزد.

۸- اینترنت و پیامدهای آن.

در زمینه آثار و پیامدهای اینترنت و ماهواره مطالعات متعددی صورت گرفته است. سوبرا مانیام (۲۰۰۱) نشان می‌دهد که زمان زیاد سپری کردن برای استفاده کردن از اینترنت بر مهارت‌های شناختی اثر منفی ندارد، بلکه ممکن است پست الکترونیکی به روابط بین شخصی و حفظ روابط اجتماعی کمک کند. (زنجانی زاده و محمدجوادی، ۱۳۸۴) بر اساس نتایج تحقیق رابرت کراوت، استفاده بیشتر از اینترنت با پیامد کاهش ارتباطات خانوادگی همراه بود، همچنین گزارش شده است افرادی که از اینترنت بیشتر استفاده کرده‌اند، تنهایی آنها افزایش یافته است. (اسلوین، ۱۳۸۰: ۱۵۲) کاربران اینترنتی با وابسته شدن به اینترنت فرصت کمتری برای پرداختن به خانواده دارند و این ممکن است باعث کم‌اهمیت شدن خانواده نزد کاربر اینترنتی و در نتیجه کاهش ارزش‌های خانواده شود. (ویندان و همکاران، ۱۳۷۶: ۳۷۰) البته لازم به ذکر است که شرط مهم برای بروز عوارض و پیامدها، میزان وابستگی و اعتیاد به بعضی از رسانه‌های ارتباطی است. به عبارت دیگر، مجرای که مردم برای تأمین نیازها، تحقیق تمایلات و بدست آوردن اطلاعات مهم نسبت به آن احساس وابستگی می‌کنند توان بیشتری برای ایجاد اثرات دارد، تا مجرای که تفاوتی با مجاری دیگر ندارد و اطلاعاتی که فراهم می‌کنند، فاقد اهمیت است.

۹- جرایم چند رسانه‌ای

از نظر لغوی، چند رسانه‌ای عبارت است از: «ترکیب صوت، تصویر، انیمیشن و فیلم» و در دنیای کامپیوترها، چند رسانه‌ای زیر گروهی از فوق رسانه است که عناصر چند رسانه‌ای و فوق متنی را با هم ترکیب کرده و اطلاعات را با هم مرتبط می‌سازد.

جرایم چند رسانه‌ای که با جرایم نسل سوم کامپیوتر و اینترنت وابسته است، اصولاً در محیط یا فضای مجازی قابل تحقق است. به همین دلیل رفتار ممنوع مرتکبان جرم چند رسانه‌ای، متفاوت در رفتار مرتکبان سنتی است. (برومند، ۱۳۸۳: ۶۰) جرم چند رسانه‌ای، شامل هر گونه فعالیت ممنوعه قانونی و یا اخلاقی در ارتباط با سوء استفاده از تکنولوژی ارتباطات و رسانه می‌باشد که به طور عمده مرتکبان ناشناس به طور اجتماعی در فضای ناشناخته دست به اعمال خود می‌زنند. رفتار مجرمانه در

رابطه با سوء استفاده از تکنولوژی ارتباط شامل: جرایم علیه تمامیت و اختیار جنسی (پورنوگرافی جنسی)، جرایم علیه نظم عمومی و یا جعل و تغییر متون و اخبار و اطلاعات داخل شبکه اینترنت و داده‌های کامپیوتری می‌باشد. (همان منبع، ص ۶۰) ویژگی‌های جرم رسانه‌ای عبارت‌اند از:

- ۱- جرم رسانه‌ای ناقص یا از بین برنده برخی منافع قانونی است.
- ۲- مرکز نقل و توجه جرم چند رسانه‌ای، قبح رفتاری است.
- ۳- جرم چند رسانه‌ای، متعلق به جرایم مطبوعاتی است.
- ۴- نامحدود و نامشخص بودن بزه‌دیدگان آن می‌باشد.
- ۵- خصوصیت فراملی و فرا سرزمینی بودن آن است.

۱۰- خانواده و آسیب شناسی رسانه

خطر وسایل ارتباط جمعی این است که برخی از آن‌ها جرایم و جنایات را به درون خانواده‌ها می‌برند. نمایش اعمال خشونت بار، صحنه‌های هیجان انگیز، خون‌آشامی‌های دراکولا، عکس‌های لخت و بی حجاب زنان، صحنه‌های پرخاشگرانه و تندخویانه، موجبات سخت دلی، بی‌رحمی و شرارت افراد را به صورتی ناخودآگاه فراهم می‌آورد.

رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، فواصل را ناپدید می‌سازند، همچنان که جدار بین انسان‌ها را نیز تا حدود زیادی شفاف‌تر می‌سازند. بنابراین خانواده و کارکردهای آن نیز، بی تأثیر از فعل و انفعالات و پیامدهای رسانه‌ای نبوده است. زندگی خانوادگی، صرفاً حضور در خانه، یا خانه‌داری و یا انجام چند فعالیت دسته جمعی نمی‌گنجد. زندگی خانوادگی زمانی واقعاً تحقق می‌پذیرد که با مبادله اندیشه‌ها احساسات، بحث و گفت و شنود همراه گردد. اغلب تلویزیون را متهم می‌سازند که گفت و شنود را از بین می‌برد. مسلم است که به هنگام تماشای برنامه‌های تلویزیونی، کمتر بین اعضای خانه گفت و گو در می‌گیرد، ولی این گفت و شنود به کلی از بین نمی‌رود. (کازنو، ۱۳۸۴: ۱۵۲) خطر اصلی در این است که ورود وسایل ارتباط جمعی به ویژه تلویزیون به خانه، با کاهش بحث و گفت و گو بین اعضای آن و در نتیجه، عدم کاهش تعارض بین نسل‌ها همراه گردد. اگر برنامه‌های تلویزیونی، تنها موضوع صحبت بین فرزندان و والدین گردند، خطر در این خواهد بود که قدرت از خانه در آمده در کانون‌های خارج از آن متمرکز گردد و والدین فقط مفسر بیان آن کانون‌ها شوند.

به طور کلی، تلویزیون، ساعات عادی زندگی را دگرگون می‌سازد، عادات جدیدی در صرف زمان ایجاد می‌کند. (Wand, ۱۹۶۸) ولی بنیان خانه و خانواده را متزلزل و تخریب نمی‌سازد.

۱۱- پورنوگرافی کودکان و زنان

از پیامدهای رسانه‌های نسل جدید (رایانه‌ای) می‌توان به پورنوگرافی غیر مجاز رایانه‌ای اشاره نمود. تعریف لغوی پورنوگرافی^{۱۴} عبارت است از: هرگونه نوشته، فیلم، تصاویر و مطالب مربوط به امور جنسی که فاقد هرگونه ارزش ادبی، هنری، سیاسی و علمی است و اعمال مجرمانه در پورنوگرافی عبارت است از این‌که شخصی ابزار سمعی و بصری یا وسایلی که حاوی اینگونه تصاویر و عکس‌های هرزه باشد را به فروش برساند، پخش کند یا چنین وسایل را در معرض نمایش گذارد و کودکان و جوانان را به شرکت در این نمایش یا پورنوگرافی اغوا یا تشویق نماید. (برومند، ۱۳۸۳: ۵۹) این نوع اعمال مجرمانه (پورنوگرافی) با توسعه و پیشرفت تکنولوژی و اینترنت وارد رسانه جمعی شده است و از لحاظ گستردگی و وسعت در زمینه پخش و توزیع، در نوع خود بی‌نظیر می‌باشد. به عنوان مثال صندوق‌های پستی، آدرس‌های پست الکترونیکی و سایت‌هایی در اینترنت وجود دارد که به تبلیغ، پخش و عرضه تصاویر «پورنو» می‌پردازند. نوع دیگر این جرایم، آزار و اذیت خبری در محل کار است، بدین ترتیب که مجرمان با دستکاری کامپیوتر متصل به اینترنت، بزه‌دیده را مجبور به تماشای تصاویر مستهجن (پورنوگرافی) می‌کنند و یا با توزیع موضوعات پورنوگرافی جنسی آن‌ها را رنج می‌دهند. بزه‌دیدگان موضوع جرم در پورنوگرافی جنسی غالباً کودکان و نوجوانان دختر و پسر و یا زنان می‌باشند که رده سنی آن‌ها از ۷ سال شروع می‌شود. مجرمان پورنوگرافی، از طریق اتاق‌های گفت و گو^{۱۵} و پست الکترونیکی کودکان را به انحراف می‌کشاند و از آن‌ها سوء استفاده جنسی به صورت پورنوگرافی می‌کنند و تصاویر آن‌ها را روی سایت‌های مستهجن منتشر می‌نمایند.

موضوع سوء استفاده از کودکان و پورنوگرافی که در جرایم علیه محتوا و رسانه‌ای دسته بندی می‌گردد، از مسائل بسیار مهم در جرایم سایبر بوده که باید برخوردهای شدید و جدی‌تری در بازدارندگی و مقابله با آن انجام گیرد.

۱۲- اینترنت به مثابه رسانه فراگیر

رسانه‌های جمعی از جمله اینترنت به سبب قدرت فراوان، گستره پوشش و کارکردهای متنوع شان، در حوزه‌های اخلاقی فردی و اجتماعی اثری عمیق و انکارناپذیر بر جای می‌گذارند. دانشمندان علوم اجتماعی این رسانه‌ها را در ردیف عوامل اجتماعی کردن و شکل دادن شخصیت افراد جامعه می‌خوانند و بر این باورند که رسانه‌های جمعی می‌توانند هنجارهای اجتماعی را تقویت یا تضعیف سازند.

ابعاد آسیب‌شناختی اینترنت را می‌توان به این شرح معرفی کرد:

۱- افسردگی و انزوای اجتماعی

کرات و همکاران او (۱۹۹۸) در يك پژوهش دو ساله درباره کاربران اینترنت، به این نتیجه دست یافتند که استفاده فزاینده از اینترنت با کاهش ارتباط خانوادگی و شرکت در محافل اجتماعی محلی همراه است. افزون بر این، شرکت کنندگان در این پژوهش، به انزوای اجتماعی و افسردگی دچار شده بودند.

۲- هزینه نگاری و تحریک جنسی

یکی از پیامدهای منفی اینترنت، اشاعه فحشا، بی‌بندوباری اخلاقی و تحریک جنسی است. مارک لاسر معتقد است در حال حاضر، اینترنت به دلیل داشتن سه ویژگی، به یکی از مهم‌ترین منابع اشاعه هزینه‌نگاری تبدیل شده است. این سه ویژگی عبارتند از:

۱- قابلیت دسترسی آسان به آن ؛

۲- توانایی داشتن همگان در پرداخت بهای آن؛

۳- ناشناس ماندن کاربران آن.

لاسر با اشاره به پی‌آمدهای منفی هزینه‌نگاری اینترنتی بر بهداشت روانی می‌گوید: این امکان وجود دارد که کودکان به واسطه دیدن مطالب و تصویرهای مستهجن رفتارهای سکسی از خود بروز دهند. همچنین هزینه‌نگاری اینترنتی می‌تواند به بروز رفتارهای جنسی نامعقول و یا گاهی اعتیاد جنسی بیانجامد. بولن و هاره (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان «اینترنت، پیامدهای آن بر سلامت و رفتار» از پنج عامل به عنوان آسیب‌هایی که کاربران اینترنت را تهدید می‌کند، نام برده‌اند. این عوامل عبارتند از:

۱- ماهیت سانسور نشده اینترنت و ناتوانی افراد در ارزیابی دقیق اطلاعاتی که با آن مواجه می‌شوند.

۲- پی‌آمدهای منفی دیدن هزینه‌نگاری‌ها و محتوای جنسی و غیر اخلاقی.

۳- پی‌آمدهای تحریک جنسی؛ در این فضای مجازی، این احتمال هست که افراد به طور ناخودآگاه از داده‌ها و تصاویر تأثیر پذیرند.

۴- خطرهای بالقوه ناشی از فراهم شدن دیدارهای شخصی آنلاین با افراد گوناگون.

۵- پی‌آمدهای مواجهه با پایگاه‌ها یا منابع آزاد دهنده و تهدید کننده.

اعتیاد به اینترنت، یکی از آسیب‌های روان‌شناختی زیان‌بخش است که کنش شخص به هنجار و سلامت روانی فرد را در جنبه‌های مختلف مختل کند. برخی از پی‌آمدهای اعتیاد به اینترنت عبارتند از:

۱- دگرگونی‌های شدید در سبک زندگی (به منظور گذراندن زمان بیشتر در شبکه).

۲- کاهش کلی فعالیت‌های بدنی.

۳- بی‌توجهی به سلامت فردی.

۴- دور شدن از فعالیت‌های مهم زندگی.

۵- کمبود خواب و یا تغییر الگوهای خواب.

۶- کاهش معاشرت و در نتیجه از دست دادن دوستان و آشنایان.

۷- غفلت از خانواده.

۸- بی‌توجهی به مسئولیت‌های شغلی و شخصی.

منابع فارسی:

- اسلوین، جمیز (۱۳۸۰) اینترنت و جامعه، عباس گلیگوری، تهران: نشر کتابدار.
- اسماعیلی، محسن (۱۳۸۹) حقوق کودک در برابر رسانه‌ها، فصلنامه خانواده‌پژوهشی، سال ششم، شماره ۲۱.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، مریم وتر، تهران: نشر کویر.
- باستانی، برومند (۱۳۸۳) جرایم کامپیوتری و اینترنتی، تهران: انتشارات بهنامی
- بلوریان تهرانی، محمد (۱۳۸۳) رسانه، تهران: انتشارات کارگزاران روابط عمومی.
- بیدالف، استیو (۱۳۸۶) راز کودکان شاد، منزه فراهانی، تهران: انتشارات پیک بهار.
- خانیکی، هادی (۱۳۷۶) رسانه‌های جمعی و امنیت ملی، (در مجموعه مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی) تهران: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۴) درآمدی بر جامعه، حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- زنجانی زاده، هما و علی‌محمد، جوادی (۱۳۸۴) بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان ناحیه ۳ مشهد، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲
- دلماس مارق، می‌ری (۱۳۸۱) نظام‌های بزرگ سیاست اجتماعی (جلد اول)، علی حسینی نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.
- دهرویه، محمد (۱۳۸۸) تأثیر رسانه‌ها بر احساس امنیت در شهر تهران با تأکید بر فعالیت‌های پلیسی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ۴، شماره ۱۲.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵) درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱) نقش وسایل ارتباط جمعی در پیشگیری از وقوع بزهکاری، تهران: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور.
- سروش (۱۳۷۸) انقلاب ارتباطات در آستانه قرن بیست و یکم، سال بیستم، شماره ۹۳۶، تهران: انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران-
- سورین، ورنر جوزف و جیمز دلیو تانکارد (۱۳۸۱) نظریه‌های ارتباطات، علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شاملو، سعید (۱۳۸۳) بهداشت روانی، تهران: انتشارات رشد.
- شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۷) روان‌شناسی و آسیب‌شناسی اینترنت فصلنامه تخصصی روان‌شناسی (تعامل با دین) قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- شرام، و. دورکین، ک. (۱۳۷۷) تلویزیون در زندگی کودکان، حقیقت کاشانی، تهران: مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- فرجیها، محمد (۱۳۸۵) بازتاب رسانه‌ای جرم، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.

- عضدانلو، حمید(۱۳۸۴) آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.
- کازنو، ژان (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: نشر اطلاعات.
- لرنی، منوچهر(۱۳۸۷) نقد و تحلیل مسایل اجتماعی ایران، تهران: نشر بهینه فراگیر.
- مهدیزاده، شراره(۱۳۸۴) تلویزیون، مخاطب و نگرش نو، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴.
- نیومن، فیلیپ و باربارا نیومن شماره ۴(۱۳۷۸) اثرات تلویزیون بر رشد کودکان، اسماعیل بیانگرد، مجله تربیت، شماره دهم، ماهنامه وزارت آموزش و پرورش
- وارتلد، آلن و همکاران(۱۳۸۰) کودک و خشونت در تلویزیون آمریکا، (در کتاب کودکان و خشونت در رسانه‌های جمعی) مهدی شفتی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- ویندال، سون و همکاران(۱۳۷۶) کاربرد نظریه‌های ارتباطات، علیرضا دهقان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- هاماربرگ، توماس(۱۳۸۰) کودکان و تأثیرات زیان‌آور رسانه‌ها بر آن‌ها (در کتاب کودکان و خشونت در رسانه‌های جمعی) مهدی شفتی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

منابع انگلیسی

- Gerbner, G(۱۹۸۶) Perspective on media effects, Hill Sdale, New Jersey, Erlbayum.
- .family and elevisonT(۲۰۰۸-),edinsonH
- Hodge,R.W. Tripp,D.(۱۹۸۶) Children and Television: A Semiotic Approach.Standford:Standford University Press.
- McLuhan,M(۱۹۶۷) The Medium is Massage, Harmond Sworth: penguin.
- Sherizen, (۱۹۷۸) Social Creation of Crime News, C.Winick: (Ed) Deviance and Nass Media, Newbury Park, Calif. Sage.
- Shrum, Y.J.(۱۹۹۶) Psychological process underlying cultivation effects, Human communication research,vol.۳۲, June.
- Uslaner, E. M. (۱۹۹۸) "Social Capital , Television and the Mean Worried: Trust, Optimism and Civil Participation" Political Psychology, Vol: ۱۹.No.۳.

- Wand , B (۱۹۶۸) Television Viewting and family choice differences , in public opinion Quarterly.
- Warthella, E(۱۹۹۵) Media and problem Behaviors in Young People. M.Rutter and D.Smith, (eds) Psychological Disorders in Young People, London: Wiley.

پایگاه‌های اینترنتی

- www.findarticles.com
- www.galenet.Grale.group.com

